

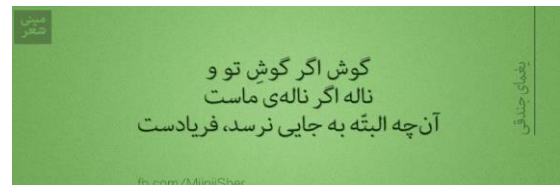
به ادامه اقسای دزدان، چپاولگران و زورمندان

(قسمت دوم - استاد صباح)
=== ((شعر روز)) ===



مژده اي ساده دلان، عصر جديد آمده اند
دوره چور و چپاول و تاراج سپيد آمده اند
اينان هر چه که کردند ، نگوييد «دروغ»
از براي سرقت بانک با قفل و کليد آمده اند
يك کليد شان اگر نگشايد دروازه هر قفل
با گروپ سلاحدار و با قفل جديد آمده اند
مجلس ملي که از فحش و تمسخر شده پُر
غصه نخور دولت اخلاق پديد آمده اند
رفته اند آن گروپ کلاه پست و چپين دار
آنکه با مشت روي ميز مي زد آمده اند
گر چور کردند و چپاول شد و بردند و خوردند
غمگين مشو که با نفس پليد آمده اند.
عذر تقصير، که ما مار گزيده شده ايم
آن مار که تا اکنون نگزيده آمده اند.

/// سخن روز ///



دزدان میلیونی و چپاولگران میلیاردی افغانستان بخوانند و اگر وجدان دارند کمی شرمنده و سرافکنده شوند.....
زين العابدین عبدالکلام به مدت پنج سال رئيس جمهور کشور هند بود. او در سن هشتاد سه سالگی درگذشت و ملت هند را به عزا نشانند. تلویزیون ملی هند دارایی و ثروت او را چنین اعلام کرد:
سه دست لباس معمولی . شش عدد پیراهن . یک عدد ساعت دستی.

دو هزار و پانصد جلد کتاب . یک آپارتمان دولتی که مدت ها پیش به جامعه دانشمندان هند تحویل داده شد .
موجودی بانکی صفر . تنها دارایی او دعای یک ونیم میلیارد جمعیت هندوستان که همراهش بود!

چپاولگری خانواده گی در ارگ



در زمره ی واژه های منحوسی که از دموکراسی پرفساد غرب داخل فرهنگ مردم افغانستان شد یکی هم واژه میان تهی و نمایشی بانوی اول است . تفاوت را ببینید .

محبوبه کارمل همسر ببرک کارمل را بانوی اول نمیگفتند . زیرا چنین اصطلاح نه در فرهنگ ملی و نه اسلامی افغانستان بود . ریاست پرورشگاه وطن بر اساس برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد شد و بر علاوه کابل در چندین ولایت افغانستان نیز از کودکان بی بضاعت مواظبت می کرد . محبوبه کارمل در سال ۱۹۸۱ به ریاست پرورشگاه وطن برگزیده شد و تا سال ۱۹۸۶ این وظیفه را به عهده داشت .
معاش ماهوار او شش هزار افغانی یعنی ۷۲ هزار افغانی در سال بود . وظیفه ی او ارگ نشینی نه بلکه ریاست پرورشگاه وطن یا مواظبت و سرپرستی از کودکان یتیم و بی بضاعت کشور بود .
محبوبه کارمل در حال حاضر در آلمان زنده گی می کند .

معاش سالانه ی رولا غنی همسر اشرف غنی را ۲۳ میلیون افغانی یعنی دو میلیون در یک ماه گزارش دادند .

این کشور گدایی گر با بانوی اول عشرتگر . در همین حال ، آوازه های وجود دارند که غنی ، برخی از قراردادها را به شرکت های لبنانی ، منسوب به اعضای خانواده رولا غنی ، می دهد .

بیش از بیست و سه میلیون افغانی در سال از بودجه ملی هزینه دفتر تشریفاتی بی بی گل احمدزی خانم رئیس جمهور غنی احمدزی می شود . سندی که به نشر رسیده نشان می دهد که رئیس دفتر غنی مکتوب داده که در آن نوشته است : دفتر خانم اول کشور یکی از واحدهای جانبی ریاست اداره امور ریاست جمهوری بوده و تعداد کارکنان آن ۳۳ نفر می باشد که معاش های امتیازی یک ماهه شان مبلغ یک میلیون و نهصد و سی و سه هزار افغانی و از یکساله شان مبلغ بیست و سه میلیون و یکصد و نود و شش هزار افغانی می شود .

عبدالسلام رحیمی رئیس عمومی اداره امور ریاست جمهوری در این مکتوب تصریح کرده است که این مبلغ شامل بودجه سال ۱۳۹۵ ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری می باشد و از کُود احتیاطی به بودجه دفتر ریاست جمهوری انتقال کند . متن این مکتوب از سوی رئیس جمهور برای دفتر خانم اش منظور شده است .

در حالی این مبلغ هنگفت به دفتر خانم ریاست جمهوری اختصاص داده شده است که بانوی اول در دو سال گذشته به جز شرکت در مراسم تشریفاتی و دیدو بازدید با شماری از زنان و دختران ، نقش غیر از این در حکومتداری نداشته و حتا برنامه ای را برای بهبود شرایط زندگی زنان بیرون نداده است .

میلیون ها افغانی در حالی به دفتر تشریفاتی بانوی اول کشور اختصاص یافته است که میلیون ها کودک در کشور به خاطر نبود زمینه ی آموزش و نداشتن امکانات آموزشی از تحصیل محرومی می باشند و یا به امکانات آموزشی لازم دسترسی ندارند . غنی احمدزی وقتی به کرسی ریاست جمهور تکیه زد اعلام کرد که مصرف های اضافی را از بودجه ملی کاهش می دهد و تعداد مشاوران و معاش های امتیازی را کم می کند ، اما تاکنون رئیس جمهوری تنها معاش های امتیازی کارمندان پائین رتبه دولتی را کاهش داده است و اما تعداد مشاوران معاونانش و مقام های بلند پایه ی دولتی و معاش های امتیازی آنها را کاهش داده نتوانسته است .

اینان سرمایه ها را از کجا آوردند؟؟؟



هرچند احتمال دارد افراد و سرمایه‌گذاران خصوصی سرمایه‌های بزرگتری در اختیار داشته باشند .

غلام حضرت صافی، مسئول هواپیمایی صافی

صافی در سال ۲۰۰۶ میلادی با سرمایه ابتدایی ۲۰ میلیون دالر آمریکایی، شرکت هواپیمایی‌ای را به نام "صافی" در افغانستان اساس گذاشت. در این شرکت که مرکز آن در کابل و در دبی امارت متحده عربی است، حدود ۵۰۰ نفر استخدام شده‌اند. این شرکت هواپیمایی خدمات باری انجام می‌دهد و همچنین پروازهای خود را از کابل به ابوظبی، بحرین، دهلی نو، دبی در خارج و به شهر هرات در داخل کشور تنظیم کرده است. در افغانستان سه شرکت هوایی فعال است، هواپیمایی نیمه دولتی آریانا که شصت سال پیش فعال شد و شرکت‌های کام ایر و صافی که در سال‌های اخیر شروع به فعالیت کرده‌اند.

خلیل‌الله صدیق، مسئول بانک بین‌المللی افغانستان

بانک بین‌المللی افغانستان ۹ سال پیش با ۱۰ میلیون دالر سرمایه توسط صدیق مجوز فعالیت‌های بانکی را در افغانستان گرفت. بانک بین‌المللی افغانستان در سی و چهار ولایت افغانستان شعبه دارد و ۶۱۶ کارمند استخدام کرده است. این بانک، همچنین پشتوانه بانک توسعه آسیایی را با خود دارد و آن گونه که مسئولان اداره حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی می‌گویند، تعداد مشتریان این بانک به ۹۰ هزار نفر می‌رسد. بانک بین‌المللی افغانستان مثل سایر بانک‌های افغانستان به ویژه بانک‌های خصوصی، خدمات بانکداری از طریق اینترنت، استفاده از ماشین‌های خودپرداز پول، خدمات صدور قرضه، ایجاد حساب‌های پس انداز و انتقال و دریافت پول در سراسر جهان را عرضه می‌کند. در افغانستان پانزده بانک خصوصی فعالیت می‌کند. بانکداری در افغانستان از رشته‌های شغلی پر درآمد و پر مشتری است.

محمد نسیم دوست، مسئول شرکت معادن انصاف

دوست، در سال ۲۰۰۶ میلادی با سرمایه ابتدایی ۳۱۲ هزار دالر آمریکایی به سرمایه‌گذاری در بخش تهیه سنگ‌های معدنی افغانستان، شروع به فعالیت کرد. شرکت انصاف، عمدتاً در بخش تهیه و آماده‌سازی سنگ‌های قیمتی افغانستان برابر با معیارهای جهانی کار می‌کند و آن طوری که اداره آيسا می‌گوید، توانسته در این مدت میزان سرمایه‌گذاری خود را با تاسیس شرکت سنگ مرمر در هرات به چهار میلیون دالر آمریکایی توسعه دهد. این شرکت برای حدود چهارصد نفر به طور مستقیم کار فراهم کرده و همچنین ۲۰۰ نفر دیگر را به طور مستقیم در کارهای عملیاتی مشغول کرده است. شرکت معادن انصاف، توانسته سنگ‌های قیمتی افغانستان را با برقراری تماس با شرکت‌های خارجی به کشورهای هند، چین، ترکیه و امارات صادر کند. ثروت اصلی افغانستان در زیر زمین است، سنگ‌های قیمتی این کشور به کشورهای دور و نزدیک صادر می‌شود و از جانب افغانستان بخشی از درآمد داخلی خود را از معادن به دست می‌آورد.

محمد فهیم هاشمی، مسئول تلویزیون ۱

تلویزیون ۱، از رسانه‌های خصوصی افغانستان در سال ۲۰۰۸ مجوز فعالیت را با سرمایه ابتدایی ۲۷۳ هزار دالر دریافت کرد. فعالیت نشراتی این تلویزیون در سال ۲۰۱۰، شروع شد. این شبکه ۲۹۳ کارمند به شمول ۵ کارمند خارجی را استخدام کرده است. این تلویزیون عمدتاً برنامه‌های خبری، سیاسی، فرهنگی و تفریحی پخش می‌کند و نشرات بیست و چهار ساعته دارد. تلویزیون یک به علاوه آنتن‌های عادی از طریق ماهواره هم قابل دریافت است.

رسانه های تصویری در افغانستان در ده سال گذشته رشد چشمگیری داشته اند و در حال حاضر فضای تنگاتنگ رقابت بین ۵۵ ایستگاه فعال تلویزیونی جریان دارد. در افغانستان حدود هفتاد شبکه تلویزیونی مجوز فعالیت گرفته اند که ۱۵ کانال موفق به آغاز نشرات نشده اند.

سید سادات نادری، مسئول شرکت بیمه وزیرشهرسازی افغانستان

نادری، شرکت بیمه خود را در سال ۲۰۰۸ با سرمایه ابتدایی ۲٫۵ میلیون دالر آمریکایی فعال کرد. این شرکت در افغانستان فعالیت بیمه عرضه می‌کند. این شرکت توانسته برای ۳۰۰ نفر، کار فراهم کند. بیمه بهداشت، وسایط، ساختمان، بانکی، ترانسپورت و هوانوردی و نقل و انتقالات از انواع خدمات شرکت بیمه افغانستان است. شرکت بیمه افغانستان از آغاز تا حالا برای مشتریانی با سرمایه ۲۲ میلیارد دالر، خدمات بیمه عرضه کرده است. خدمات بیمه در افغانستان اجباری نیست و فرهنگ استفاده از بیمه هم میان مردم عادی چندان رایج نشده است. در این کشور تعداد شرکت های عرضه خدمات بیمه محدود است و نهاد دولتی‌ای به نام "بیمه ملی افغان" نیز خدمات بیمه عرضه می‌کند.

مصطفی، مسئول مجتمع شرکت های امید بهار

مصطفی، مجتمع شرکت های خود را در سال ۲۰۰۸ با سرمایه ابتدایی ۲ میلیون دالر آمریکایی در افغانستان به راه انداخت. این مجتمع برای ۲۱ نفر کار فراهم کرده است. بسته بندی و صادرات میوه‌جات تازه برابر با معیارهای جهانی شاخه اصلی کار آن است. تولیدات این مجتمع به اساس آمار (آیسا) به ۹۰ میلیون تُن در سال می‌رسد و سبب شده که در مدت کمی سرمایه ۲ میلیون دلاری این شرکت به ۳۵ میلیون دالر افزایش پیدا کند. تولید نوشابه های غیرالکلی هم جز کار این مجتمع است. میوه جات تازه، از صادرات اصلی افغانستان به کشورهای خارجی است، انواع میوه جات تازه این کشور به کشورهای غربی صادر می شود. در افغانستان سرمایه گذاری‌ها در بخش تولیدات داخلی در سال‌های پس از جنگ چشمگیر بوده است اما اخیراً نگرانی های امنیتی احتمالی در آینده بسیاری از سرمایه گذاران را به تشویش انداخته و سبب شده که دولت بسته‌های تشویقی پیش کند.

عبدالله رسولی، مسئول شرکت فولاد افغان

شرکت تولیدات فولاد افغان، در سال ۲۰۰۷ میلادی با سرمایه ابتدایی ۲ میلیون دالر آمریکایی عبدالله رسولی شروع به کار کرد. این شرکت برای ۵۳۰ نفر زمینه کار ایجاد کرده و از این میان ۱۳۰ کارمند آن شهروندان هندی هستند. شرکت فولاد افغان با گسترش فعالیت های خود توانسته سرمایه ابتدایی خود را به ۱۸ میلیون دالر آمریکایی بالا ببرد. فعالیت های این شرکت متمرکز به تولید و صادرات فولاد است. اداره آیسا می‌گوید که این شرکت تولیدات برابر با معیارهای امروزی دارد و مجهز با فناوری روز است. تولیدات شرکت فولاد افغان، به ۱۰۰ تُن فولاد در روز می‌رسد که ارزشی معادل ۷۲۰ هزار دالر آمریکایی دارد.

حسن جبار، مسئول شرکت مخابراتی امتی‌ان (MTN)

شرکت مخابراتی امتی‌ان، با سرمایه ابتدایی ۱۵۰ میلیون دالر آمریکایی حسن جبار و استخدام ۵۶۵ کارمند، به نام "اریبا" در سال ۲۰۰۶ شروع به فعالیت کرد. این شرکت خدمات استفاده از تلفون همراه را در ۳۴ ولایت افغانستان عرضه می‌کند. شرکت مخابراتی امتی‌ان، جز گروهی است که در ۲۱ کشور دنیا فعالیت خدمات مخابرات دارد. تعداد مشترکان این شرکت در سراسر دنیا به ۹۰ میلیون کاربر می‌رسد. تعداد مشترکان این شرکت در افغانستان مشخص نیست ولی حدود ۲ میلیون نفر در سراسر افغانستان از خدمات مخابراتی بهره‌مند هستند و بیشتر کاربران از ۲ تا سه سیمکارت همزمان استفاده می‌کنند.

افغانستان در ده سال گذشته رشد غیرقابل پیش بینی در فناوری مخابراتی داشته است. حدود ۵ شرکت مخابراتی در این کشور فعالیت مخابراتی عرضه می‌کنند و در سال های اخیر تعدادی از این شرکت‌ها خدمات نسل سوم موبایل همراه (۳G) خود را هم فعال کرده اند.

شرکت صنعتی روغن نباتی سپین‌غر

شرکت صنعتی روغن نباتی سپین غر در سال ۲۰۰۰ میلادی، با سرمایه ابتدایی ۹ میلیون دالر آمریکایی، شروع به سرمایه‌گذاری در زمینه تولیدات روغن نباتی کرد. این شرکت فعالیت خود را در سال ۲۰۰۴ شروع کرد و در ابتدای کار برای ۹۰ نفر به شمول ۲۵ خارجی، زمینه اشتغال فراهم کرد. این شرکت برای پخش تولیدات خود به طور عمده و برای مغازه های کوچک در کابل و تمام ولایات افغانستان شاخه فعال دارد. تولیدات این شرکت در افغانستان محدود نیست و بخشی از آن با بسته بندی معیاری به خارج هم صادر می شود.

شرکت تولیدی حبیب گلزار

شرکت تولیدی حبیب گلزار که شامل کارخانه های تولید آیسکریم ونوشابه های غیر الکولی، ترمیم ماشین آلات می شود از ۲۰۰۳ شروع به فعالیت کرد. این شرکت با سرمایه ابتدایی ۲ میلیون و ۱۵۷ هزار دالر آمریکایی در هر سه بخش شروع به فعالیت کرد. این شرکت توانسته برای ۵۳۰ نفر به شمول ۱۳۰ شهروند خارجی زمینه اشتغال فراهم کند. شرکت حبیب گلزار علاوه بر این که در پخش تولیدات کوکاکولا کار می کند، نمایندگی پخش تولیدات شرکت های تویتا، فلیپ ماریوس، تنباکوی ژاپن، بسکویت کانتیننتال و کرافت را هم به عهده دارد. این شرکت در بخش صادرات و واردات نیز فعال است و بخش عظم فعالیت های آن را در کنار تولیدات واردات مواد از خارج کشور تشکیل می دهد. مجموع سرمایه کل این شرکت ها بیش از هشت میلیارد دالر آمریکایی بر آورد شده است.

کي مي تواند بگويد که اين پولها چه شد؟؟؟



با تزویروریا با بدقولی و عهد شکنی با فتنه گری و دروغ نمی توان ادعای انسانیت داشت. سؤال اینجاست که آیا کمک های جامعه جهانی در افغانستان به گونه درست ان به مصرف رسیده است یا خیر؟ بیشتر کمک های جامعه جهانی در افغانستان حیف و میل شده اند و بیگونه ای که انتظار آن می رفت این کمکها در بازسازی افغانستان مؤثر نبوده اند. نبود ظرفیت در نهادهای دولتی، فساد اداری، عدم هماهنگی میان دولت افغانستان و کشورهای کمک کننده در عملی شدن پروژه ها و چندین دست شدن قراردادهای از علت های عمده ای هستند که سبب شده است بخش زیادی از کمکهای جامعه جهانی در افغانستان حیف و میل شوند. شماری از کارشناسان اقتصاد و مسؤلان اتاق تجارت و صنایع بر این باورند که بیشتر کمکهای جامعه جهانی از طریق اینجوها در بخش های زیربناها، ساختمان سازی، جاده سازی و دیگر پروژه ها در افغانستان مصرف شده اند. به باور آگاهان هشتاد درصد کمکها بر زندگی و اقتصاد مردم عادی اثری نداشته است و نهادهای کمک کننده بیشتر پروژه ها و بویژه پروژه های بزرگ را با شرکتهای خارجی قرارداد کرده اند که در نتیجه چندین دست شدن قراردادهای تنها سی تا پنجاه درصد پول در این پروژه ها مصرف شده اند و از پنجاه تا هفتاد درصد پول بدون این که به افغانستان بیایند به دست خارجی ها می رسند. اکنون با استفاده از کمک های جامعه جهانی بیش از چهار هزار کیلومتر جاده در افغانستان قیر ریزی شده است و بیش از سی پنج درصد مردم از انرژی برق بهره مند شده اند، اما انتظار می رفت بیشتر از این پروژه ها در افغانستان عملی شوند.

کشورهایی که بیشترین پول را به افغانستان کمک کرده اند به ترتیب زیر است:

کشور	تعهد	پرداخت
آمریکا	44.356 میلیارد دالر	38.118 میلیارد دالر
جاپان	3.152 میلیارد	3.152 میلیارد

اتحادیه اروپا	2.883 میلیارد	2.594 میلیارد
بانک انکشاف آسیایی	2.269 میلیارد	1.005 میلیارد
انگلستان	2.222 میلیارد	2.222 میلیارد
بانک جهانی	2.137 میلیارد	1.700 میلیارد
آلمان	2.130 میلیارد	762 میلیون
هند	1.516 میلیارد	759 میلیون
کانادا	1.256 میلیارد	1.256 میلیارد
هالند	1.015 میلیارد	1.015 میلیارد

رازهای پشت پرده و چپاولگری در حکومت



مقامات کنونی از طریق چپاول دارایی های عامه و غصب زمین، سرمایه سرسام آور اندوخته و پول های حرام را در داخل کشور با اعمار بلندمنزله‌ها و شرکت‌ها و در خارج از کشور به کار انداخته‌اند. کریم خلیلی با برادرش حاجی نبی زمین های وسیع را در کابل قبضه کرده به میلیونها دالر به فروش رسانیدند و از هیچ به سرمایه داران اصلی کشور تبدیل و صاحب غلغله گروپ، چینل تلویزیونی و غیره شدند. تنها در قضیه کابل بانک، قریب یک میلیارد دالرازپول ملت به غارت رفت، اما از آنجاییکه خانواده کرزی و فهیم در این کلاهبرداری تاریخی سهیم‌اند تا حال بردوسیه این چپاول پرده انداخته شده و اقدام جدی در برابر عاملانش صورت نمی‌گیرد درحالیکه گردانندگان اصلی این بانک حقایق مهمی را در دست داشتن شخص حامد کرزی، حسین فهیم، محمود کرزی، قدیر فطرت، عمر زاخیلوال و دیگران در فساد و چپاول بانک فاش نمودند. اما دیر یا زود فرنود و فیروزی نیز ازبند رها شده برایشان حق‌السکوت پرداخته خواهد شد. فساد در رده های پایین تر دولت از والیان ولایات تا شاروالی ها، محاکم، پولیس، اردو، امنیت ملی، گمرک ها، سفارت ها، ریاست های مستقل، پارلمان و سنا و ... آنچنان همه‌گیر است که فغان ۹۹٪ مردم بدبخت را که ضربه اصلی این وضعیت اسفبار را می‌خورند به آسمان بلند کرده است چون در هیچ اداره دولتی ممکن نیست بدون پرداخت رشوه یا داشتن واسطه بتوان کاری را از پیش برد. بنابراین گزارش «شفافیت جهانی»، در سال ۲۰۱۰، از هر هفت افغان یکی مجبور به پرداخت رشوه بوده که مقدار اوسط آن سه برابر معاش یک افغان عادی بوده است. روزی نیست که بوی گند فساد و دزدی های میلیون دالری بالاترین مقامات دولت کرزی، اعضای پارلمان و دیگر نهاد های دولتی به مطبوعات درز نکند، اما در برابر تمامی این خیانت های ملی دستگاه پوسیده و شخص کرزی سکوت نموده تا حال یک تن از مقامات هم به جرم فساد محاکمه نشده است چون تمامشان غرق دزدی و پر کردن جیب های گنده شان‌اند. اداراتی هم که زیر نام «مبارزه با فساد» یکی پی دیگری ساخته می‌شوند، خود منشای فساد بوده و جز مصارف هنگفت از بودجه ملت هیچ دستاوردی ندارند.

چرا خس دزدان را محاکمه می کنند؟؟؟



فساد، یکی از دلایل ناکامی حکومت های افغانستان در سال های اخیر در کشور می باشد. این پدیده در گذشته ها نیز در افغانستان وجود داشته است ولی پس از رویکار آمدن حکومت های پس از مجاهدین و آمدن غربی ها در کشور به اوج خود رسید چنانچه در حضور داشت آمریکا و دیگر کشور های جامعه جهانی در افغانستان، مملکت ما در قطار کشورهایی قرار گرفته است که از شمار فاسدترین ها می باشد.

کشورهای دنیا در چندین نشست جهانی که برای کمک به افغانستان برگزار گردیده بود، همه کمک های شان را به این مشروط کرده بودند که این کشور در راستای مبارزه با فساد، گام های اساسی بردارد ولی دیده می شود که هنوز اقداماتی در این راستا عملی نشده است. بسیاری از نهاد های دولتی از جمله نهادهای کشف و تحقیق، گمرکات، محاکم و... در این بیماری چنان گرفتار اند که مردم از بابت آن بامشکلات شدیدی مواجه می باشند. با این هم حکومت در راه پاکسازی این نهادها تا هنوز ناکام می باشد.

اخراً وزارت ترانسپورت اعلام کرده است که شماری از کارمندان این وزارت به خاطر دست داشتن در فساد، به لوی سارنوالی معرفی شده اند. این اقدام می تواند در راستای مبارزه با فساد مفید باشد ولی ای کاش این روند در مورد همه کارمندان از بالا تا پایین رعایت گردد.

دیده شده است که بیشترین فساد در نزد مقامات مشاهده گردیده است؛ زیرا آنان به دلیل وظایف شان، در امور مالی و خریداری ها و قراردادهای ذی دخل بوده و می توانند در این گونه امور بسیار سازنده باشند. وزارت ترانسپورت نگفته است که در میان شصت کارمندی که به لوی سارنوالی معرفی شده اند مقامات بلند پایین آن وزارت نیز شامل هستند یا نه ولی معلوم است که احتمال موجودیت چنین اشخاص بسیار اندک است. فساد های کلان در میان افراد رده بالای موجود است ولی در نظام کنونی اراده برای مبارزه با فساد موجود نیست و تا کنون دیده نشده است که مقام بلند رتبه ای که دیروز و امروزش به مردم معلوم بوده است، به دلیل فساد محاکمه شده و دارایی هایی که از راه غیر قانونی بدست آورده است، مصادره گردیده باشد.

موارد اندکی که دیده شده است، به دلایل قومی و سیاسی است چنانچه در قضیه کابل بانک دیده شده است. به هر حال حکومت به دلیل ضعف و ناتوانی هایی که دارد، تا هنوز نتوانسته است گام های عملی را در راستای مبارزه با فساد بردارد در حالی که دارایی های همه شهروندان کشور در سی - چهل سال اخیر در نزد مردم معلوم است ولی دزد های کلان که از خون و گوشت و پوست مردم اکنون صاحب سرمایه های کلان، کاخ ها و بلند منزل های متعدد هستند، غرق سرمایه های دزدی شده و باد آورده در ناز و نعمت زنده گی می کنند و فقط گاه گاهی مامورین پایین رتبه، به دادگاه ها کشانیده می شوند و فسادهای شان آشکار می گردد. ما امیدواریم که روزی این ماموریت را یک حکومت نیرومند مردمی تحقق بخشد و داد مردم را بستاند و حق را به حق دار برساند.

چند تن از چپاولگران معروف



دزدی ۲۵ میلیون دالری یونس قانونی در وزارت معارف،
رشوت ۳۰ میلیون دالری ابراهیم عادل وزیر سابق معادن،
خریداری بلدنگ های چندین میلیون دالری توسط وزارت خارجه در نیویارک و دوی،
چپاول ده هزار جریب زمین دولتی توسط خانواده کرزی در قندهار،
سرقت هفتاد میلیون دالری توسط اسماعیل خان،
غارت تجهیزات و ادویه به ارزش میلیون ها دالرو ۲۰ میلیون دالری پول نقد در شفاخانه سردار محمد داوود که در آن بسم الله
وزیر دفاع و جنرال احمد ضیا یفتلی مظنون درجه یک اند،
چور زمین های دشت چمنله، چونغر، قرغه و غیره توسط سیاف، ملاعزت، ممتاز و غیره ،
دزدی حدود نیم میلیون دالر توسط صدیق چکری از وزارت حج و اوقاف،
اختلاس هشتصد میلیون دالری عمر زخیلوال در گمرک های جلال آباد و حیرتان،
دریافت بوجی های دالر از ایران توسط عمر داوودزی،
اختلاس بیست میلیون دالری امین فرهنگ در وزارت اقتصاد،
دزدی صد میلیون دالری نادر آتش از شرکت هوایی آریانا،
گرفتن رشوتهای کلان توسط فاروق وردگ، حنیف اتمرو عمر زخیلوال از کابل بانک،
فساد قدیر فطرت در ارتباط به قضیه کابل بانک و موارد دیگر،
فساد چندین میلیون دالری و فسادهای متعددی ظاهر اغبر در کمیته ملی المپیک،
چپاولگری های فراوان عطا محمد نور در بلخ،
دزدی زلمی حقانی از سفارت افغانستان در پاریس ...

چرا کسی از اینان نمی پرسد؟؟؟

بیشکت که با زدن
صدها میلیون دالر ثابت
کدی که همکار صدیق مه
هستی. بالاتر از وزارت
مقامی ندارم که برت بتم،
بگیر اینه بالاترین مدال
دولتی ره برت میتیم و آرزو
میکنم که ای دستاورد
هایت ادامه داشته باشن!



می نویسم که شب تار سحر می گردد
قانون و عدالت به کشور برمی گردد.

حمایت از متهمان فساد اداری از جانب حکومت معضلی است که تا کاخ ریاست جمهوری نیز ریشه دوانیده است. عده‌ای از متهمان به اختلاس و فساد اداری به طور مستقیم از جانب شخص کرسی و برخی مقامات دیگر مورد حمایت قرار گرفته، و دوسیه‌های آنان مسدود و یا متروک گذاشته می‌شد.

حکومت زمانی می‌تواند در امر مبارزه با فساد موفق شود که عزم سیاسی قوی داشته، اصلاحات و مبارزه را از خود ارگ و حکومت شروع کرده و قضیه‌های افراد حکومتی که در سارنوالی است را در قدم نخست رسیدگی کند. و همچنان در صورت نیاز محکمه‌های بین‌المللی را نیز برای رسیدگی به دوسیه‌هایی که حکومت قادر به رسیدگی به آن‌ها نیست، تشکیل نماید. ۲۱ تن از مقامات بلند پایه دولتی به اخذ رشوت و فساد اداری متهم اند، در آن نامهای ۱۱ وزیر اسبق و فعلی، ۶ والی فعلی و اسبق و چندین رییس عمومی، مشاور و وزیر امور مسولین دولتی شامل است که، از موقف دولتی سوء استفاده نموده و مبالغ هنگفت راحیف و میل نموده اند. درین لست چندین وزیر و والی اسبق حکومت کرسی، وزیران فعلی و تعداد از مشاور و وزیران و رییسان عمومی شامل اند که گمان میرود تعداد شان در کابینه بعدی هم عضویت داشته باشند.

درین لست رنگین داد فرسپنتا، حنیف اتمر، محمد صدیق چکری، جلیل شمس، سر مشاور رییس جمهور نعمت الله شهرانی شامل اند. همچنان در لست اسمای وزرای سابق حکومت کرسی، حمیدالله قادری وزیر ترانسپورت، اکبر اکبر وزیر مهاجرین، رامین وزیر زراعت، عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت، فرهنگ وزیر تجارت، خانم مسعوده جلال وزیر زنان بر علاوه وزیران یادشده، نامهای شیر محمد اعتباری، بسم الله بسمل نیز شامل است.

همچنان در لست والیان، والی ولایت بلخ عطا محمد نور، والی غزنی عثمانی، والی کاپیسا، والی بدخشان باز محمد احمدی و والی اسبق خوست پیمان یاد شده اند که از موقف دولتی خود سوء استفاده و اختلاس نموده اند.

و همچنان در میان افراد رده بالای حکومتی، نام محمد صدیق چکری، سرپرست پیشین وزارت حج و اوقاف، حمید الله قادری و عنایت الله قاسمی وزرای سابق ترانسپورت و هوانوردی، محمد امین فرهنگ، وزیر سابق تجارت و صنایع، نادر آتش رییس داریانا افغان هوایی شرکت، عبدالاحد صاحبی شاروال سابق کابل، و هاب الدین سادات و فقیر بهرام معینان سابق شاروالی کابل، اشراق حسینی، معین سابق وزارت معارف، عطا الرحمن سلیم، معین سابق وزارت حج و اوقاف، اکبر بارکزی، معین سابق وزارت آب و برق، محمد ولی رسولی، معین سابق وزارت فواید عامه و احمد ضیا صالحی، مسئول مالی شورای امنیت ملی وجود دارند.

جرم و جنایات سازمان یافته در حکومت



بوروکراتیزم ریشه‌دار در کشور مانع هرگونه پیشرفت است، لذا برنامه‌هایی چون خلع سلاح، مبارزه با مواد مخدر و غیره نتوانسته‌اند به موفقیت برسند. در برابر این نابسامانی بنیادی، سیاست‌هایی چون تغییر مسؤلین در ولایات، سطحی به نظر می‌رسد، این سیاست‌ها نه تنها باعث بهبود اوضاع نمی‌شود بلکه به آشفتگی آن می‌افزاید. از سوی دیگر در هم ریختگی صلاحیت‌ها و مسؤلیت‌های دست‌اندرکاران امور و بخش‌های مختلف اداری سبب ناکامی اجراءات مثبت و مؤثر می‌گردد. اصلاحات اداری نیز در صورتی مؤثر است که هیچ کس نتواند به‌ناحق خواسته خود را به کرسی بنشانند. در حال ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی با اتکا به اصل شایسته سالاری و مدیریت علمی که بتواند به خواسته‌های مردم پاسخ مثبت بدهد، تنها راه سیاسی بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود.

در غیر آن هر شخصی با تجربه‌ای هم اگر در این حلقه بسته و در سیستم بهم آمیخته قرار گیرد موفقیت چندانی نخواهد داشت. در کشور بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح‌های مختلفی بوده‌اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در تصرف قدرت پیش‌دستی و خلاف توافق قبلی کابل را

اشغال نمودند. آن چه که این نیروها می‌توانند انجام بدهند، استفاده از سمت دولتی خود برای کشت خشکاش و قاچاق مواد مخدر است. آن‌ها هنوز اسلحه در اختیار دارند و نفوذ گذشته خود را بر مردم حفظ کرده‌اند.

سال‌ها از سقوط طالبان در کشور می‌گذرد ده‌ها و حتا صدها میلیارد دالر به افغانستان سرازیر و در زیر ریش جامعه بین‌المللی به جیب دزدان ثروت‌های ملی افغانستان سرازیر شد و همین دزدان و چپاولگران شهر کابل بعد از سال دو هزار یک مالک ده‌ها تعمیر و بلند منزل، شرکت‌های تجاری، صاحب ده‌ها عراده موتر، صدها جریب زمین و... گردیدند. اگر واقعاً به کمک‌های ارایه شده به افغانستان نگاه کنیم به این موضوع می‌رسیم که اکثر این کمک‌ها برای مردم افغانستان نرسیده تعدادی دلال داخلی و خارجی را فریب داده است! در سایه این کمک‌ها اکثر احزاب قدرتمند و ضعیف داخلی تقویت شده به استحکام مواضع خود پرداخته‌اند؛ یعنی همان جریانی که در سال‌های قبل رواج داشت. منتها آن زمان بنام جهاد و مقاومت در جیب عده محدود می‌ریخت و امروز بنام بازسازی. ولی در اصل هیچ فرق و تفاوتی در روند رسانیدن این کمک‌ها به مردم نکرده است.

در کنار این موضوع صدها و بلکه هزاران دلال جناحی و حزبی به پر کردن انبارهای خود مشغول‌اند درحالی‌که مردم همچنان نیازمند باقی مانده‌اند. از طرف دیگر، ازدیاد و تعدد مؤسسات و نیروهای خارجی و زورمندان تنظیمی را شاهدیم که هرکدام شان ماهانه پنجمصد تا پنج هزار دالر حقوق دریافت کرده هزینه‌های گزاف مخارج شان را نیز در حساب کمک‌های بلاعوض و یا قرض‌الحسنه به افغانستان می‌گذارند. در حال حاضر در کابل بیست و دو هزار و چهار صد موسسه خارجی و یا به‌نوعی وابسته به آن‌ها وجود دارد. که در هرکدام شان اگر به‌طور میانگین ده نفر مشغول به کار باشند، حدود بیست چهار هزار حقوق بگیر در کابل مستقر هستند. این افراد از یک‌طرف به ناامنی‌های اجتماعی با ارایه طرح‌های اکثراً بدون استفاده دامن می‌زنند و از طرف دیگر بازار گرمی دلالان داخلی را سبب شده‌اند. همچنین اگر نگاهی به وضعیت کرایه خانه‌ها و خریدوفروش‌ها و عواقب ناشی از این مسائل داشته باشیم، نارضایتی مردم را در ایجاد اختلالات روانی اجتماعی مشاهده خواهیم کرد. از منظر دیگر، کمک‌هایی که نقدی و یا جنسی مستقیماً به دولت پرداخت شده که کلاً یک سوم کل کمک به افغانستان را تشکیل می‌دهد، اکثراً با مبالغه‌های آماری و عددی همراه بوده واقعیت‌ها به اطلاع همگان نمی‌رسد.

خارجی‌ها و مصیبت ملی



گزارش‌ها از سوء استفاده چندین میلیارد دالری از بودجه بازسازی افغانستان از سوی محافل و مقامات امریکایی حکایت دارند. نتایج یک بررسی جدید در اردوی آمریکا نشان می‌دهد که میزان سوءاستفاده از بودجه بازسازی و حیف‌ومیل آن به چندین میلیارد دالر رسیده است. آرنولد فیلدز بازرس ویژه بازسازی افغانستان با تایید این مطلب گفت، میزان سوءاستفاده از بودجه بازسازی افغانستان همچنان در حال افزایش است.

وی با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در امر بازسازی افزود، هیچ واحد کنترولی مناسبی برای بررسی اینکه پول مالیات دهندگان امریکایی در کجا هزینه می‌شود وجود ندارد. مقامات امریکایی ادعا می‌کنند که از سال دو هزار و دو تا کنون پنجاه‌وشش میلیارد دالر برای بازسازی افغانستان هزینه شده، اما به گواه واقعیت‌های این کشور، نتیجه‌ای نداشته است. از این مبلغ بیست و نو میلیارد دالر صرف بازسازی نیروهای امنیتی و شانزده میلیارد دالر صرف توسعه این کشور شده است. این درحالی‌که است که باگذشت حدود یک دهه نه تنها وضعیت نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان بهبود نیافته بلکه مردم و بخصوص زنان و کودکان با مشکلات عدیده روبرو هستند.

به‌گونه‌ای که به گزارش صندوق کودکان سازمان ملل، یونیسف بیش از یک چهارم کودکان هفت تا چهارده ساله همچون یک فرد بزرگسال کار می‌کنند، به‌طوری‌که وضعیت کودکان کار به‌عنوان یکی از معضلات اصلی دولت این کشور به‌حساب می‌آید. بر اساس گزارش وزارت صحت عامه کشور نیز، از سی میلیون افغان دوازده میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند که از این دوازده میلیون فقیر، سه میلیون نفر کودک زیر پنج سال هستند که از سوء تغذیه رنج می‌برند. البته بازرس ویژه بازسازی افغانستان به بقیه هزینه‌های بازسازی که امریکا ادعا می‌کند از سال دو هزار و دو در این کشور هزینه کرده، اشاره نکرده است. از این‌رو گزارش تفتیش ویژه بازسازی از فسادهای گسترده نهادهای غربی فعال بخصوص امریکایی در افغانستان حکایت دارد.

سال‌ها است که امریکا و متحدین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم، زیرا پس از سقوط طالبان، باید بدون درنگ به جمع‌آوری اسلحه اقدام می‌گردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست‌تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چوروچپاول باز گذاشته شد. خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی‌سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیل‌ها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آوازخوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوه‌هایی که چاره‌ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... همه عملکرد تفنگداران جنگ سالارانند.

درحالی‌که در اوضاع کنونی و در طی این سال‌ها این انتظار موجود بود که در عرصه‌های تأمین امنیت، بازسازی و قانون‌مداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نا به سامانی‌ها کارهای بزرگی انجام می‌شد اما این مأمول‌ها تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین‌کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی می‌شود. افغانستان با این همه سلاح و سلاحدار به آتش زیرخاکستر می‌ماند که هر آن امکان دارد با کوچک‌ترین بی‌احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله‌ور گردد و حضور نیروهای جنگ سالار در ادارات مهم امنیتی و سیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان نیروهای مقاومت و مبارز می‌توان از این واقعه جلوگیری کرد یا نه؟ بلکه می‌توان بر دامنه این تهدید نیز افزود. جامعه افغانستان به دلیل دوری از قانون و قانون‌مداری به یک جنگل تبدیل شده است که هرکس زور بیشتر داشت همان قدرت حاکم به شمار می‌رود. تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج‌ومرج، چوروچپاول، زورگویی و بی‌قانونی‌اند.

توسعه روز افزون ناامنی در کشور، باعث نگرانی مردم شده آنان را از روزنه‌های امید به آینده دور می‌کند. درگیری‌های متفرقه در ولایات مختلف، غارت و چپاول شبانه‌خانه‌های مردم، زورگویی برخی احزاب به اصطلاح جهادی، بی‌احترامی به افراد روشنفکر و آزاد اندیش و ده‌ها مورد دیگر، از جمله مسایلی است که برای یکبار دیگر امید رسیدن به صلح و آرامش در کشور را به نقاط کور و مبهم گذشته می‌برد.

این موضوع از یک جهت مردم را وادار به مهاجرت‌های داخلی و خارجی کرده و از سوی دیگر باعث عدم بازگشت مهاجرین به کشور می‌گردد. مهم‌تر از این مسایل، جامعه جهانی را نسبت به افغانستان بد بین ساخته آنان را نیز از روند کمک به بازسازی دور خواهد ساخت. علت اصلی جنایات و درگیری‌های اخیر در کشور، حضور تفنگ سالاران در مناصب و پست‌های کلیدی کشور است تنها راه حل این مسأله برکناری احزاب و گروه‌های به‌اصطلاح جهادی از صحنه قدرت نظامی و سیاسی در افغانستان می‌باشد.